

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ جنوری ۲۰۲۱

کشتار هزاره ها، آخرین امید "غنی احمدزی"!

شنبه - ۱۱ دلو ۱۳۹۹ - کابل: از دو روز بدین سو کشتار وحشیانهٔ عمال دولت دست نشاندۀ در بهسود و به خاک و خون کشیدن افراد غیر نظامی و زندانی ساختن بیش از ۱۰۰ تن از اعتراض کنندگان غیر مسلح، از جملهٔ داغترین خبرهای روز به شمار می رود. در یادداشت امروز ضمن مکث کوتاهی که به سخنان سخنگوی وزارت داخله، طارق آرين خواهم داشت، توجه بیشتر شما را به چرائی این کشتار معطوف خواهم داشت:

۱- این که سخنگوی وزارت داخلهٔ دولت دست نشاندۀ ادعا دارد، که گویا افراد مسلح جنگسالار محل "علی پور" معروف به "قومندان شمشیر" بر روی مردم فیر نموده، از آن دروغ هانیست که مرغ بریان را روی غوری به خنده می اندازد. چه هرگاه افراد "علی پور" به تیز اندازی دست یازیده بودند، چرا یک تن از نیروهای امنیتی دولت دست نشاندۀ و یا یک "پشک دولتی" بینی اش خون نشد که مجموع قربانیان و زخمی ها همه از جمع اعتراض کنندگان آنهم موسپیدان محل که در خط مقدم مذاکره با قومندان امنیهٔ اعزام شده برای ولایت میدان وردک از جانب "غنی احمدزی" بودند، ردیالنه و با بیرحمی چند مزدور بی وجدان توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیدند؟ نکند فیر کنندگان "علی پور" به جای "شب کوری" به مرض "روز کوری" دچار شده بودند که به جای عمال دولت، مردم عادی را به قتل رسانیدند؟

این اداره از نخستین روز های ایجادش مورد اعتماد مردم نبود و آنها را بار ها رسانه ها به "جمهوریت دروغ" مسما ساخته اند، وقتی انسان چنین دروغ هائی را می شنود، دو فکر به ذهن انسان خطور می کند: یا این گویندگان خود خر اند و نمی دانند چه می گویند، و یا هم خوانندگان و مردم عادی کشور را خر فرض می نمایند، در غیر آن چنین ردیالنه و آشکارا دروغ نمی گفتند. قدر مسلم آنست که کشتار مردم از جانب هر فرد و یا نهادی که صورت گرفته باشد، جنایت علیه بشریت و محکوم است و می باید عاملان آن به اشد مجازات محکوم بگردند.

۲- جنگسالار بیرحم از دید دولت و قهرمان از دید باشندگان محل، از سالهاست که در منطقهٔ بهسود، برای خود لشکری فراهم نموده آرگاه و بارگاهی نیز برایش ساخته است. به همین علت دوسال قبل با ترتیب یک توطئه پایش را به کابل کشانیده، دستگیرش نمودند. اما سرانجام علی رغم شکنجه ها و لت و کوب زیاد، چون از یک سو چیزی از وی نیافتند و ریاست امنیت ضد ملی هیچ گونه سندی نتوانست علیه وی آماده سازد تا با آن دوسیه ای ساخته و آن را به خارنوالی بفرستند، از سوی دیگر سرانجام مجبور شد در زیر فشار تظاهراتی هوادارانش و به امید این که در انتخابات رأی آنها

را برای خودش کمائی نماند وی را "باعزت و احترام" از حبس رها و بر گرده مردم سوار نمود. یعنی جنگسالار نامبرده اگر تا قبل از دستگیری از دولت حياء و ملاحظه ای هم داشت، بعد از "رهائی باعزت" همان را هم کنار گذاشته، فاعل مختار منطقه اش گردید.

سوالی که به وجود می آید، درک علت این خشونت و کشتار به بهانه تعقیب "علی پور" می باشد. تا جایی که از مطالعه اوضاع و دقت در آن بر می آید، دولت دست نشانده تحت رهبری "غنی احمدزی" و مشاور امنیت ملی اش "حمد الله محب" که اگر اقامت فعلی اش را در افغانستان یعنی از زمانی که به کرسی جدیدش تکیه زده است، بیرون نمائیم تمام عمرش را یا در پاکستان حیات به سر برده و یا هم در انگلستان؛ یعنی از کودکی تا بزرگسالی تحت پرورش "آی. اس. آی" و "ام.آی.۶" قرار داشته است در مقطع کنونی می تواند به چند علت زیر نام تعقیب "علی پور" به کشتار هزاره ها دست یازیده باشد:

الف- تجارب تاریخی نشان داده است که سران و نمایندگان سیاسی طبقه حاکم تمام اقوام، هرازگاهی که خود و حاکمیت شان را از طرفی مورد تهدید و یا خطر دیده اند، جهت فریب قوم خودشان و توده های نا آگاه قوم خودشان را به دنبال سیاست های جنایتکارانه، تفرقه افکنانه و ضد انسانی شان کشانیدن، حمله بر این و یا آن قوم و حتا این و یا آن شاخه قوم خودش را آغاز نموده است. تا بدان وسیله، با بسیج توده های نا آگاه قومی علیه یک قوم دیگر، امکان بقای خودش را فراهم ساخته باشد. این همان کاریست که از امیر عبدالرحمان بدین سو، اکثر زمامداران در افغانستان عملی نموده است. در نتیجه اینک که "غنی احمدزی" در زیر فشار طالب نفسش به شماره افتاده است و مشاهده می نماید که خالقش امپریالیسم امریکا نیز یا خیال دیگری در سر دارد و یا هم نمی خواهد وی را از خیالش باخبر سازد، می خواهد پرچم مندرس و آلوده جنگ قومی را زیر نام تعقیب "علی پور" و جنگ "پشتون" علیه "هزاره" بر افراشته با استخدام تعدادی مزدور بی وطن، اقوام با هم برادر افغانستان را در تقابل یا یک دیگر قرار دهند.

ب- دلیل دوم موضعگیری های اخیر "کریم خلیلی" رهبر یک جناح "حزب وحدت اسلامی" در مقابل "غنی احمدزی" می باشد. "خلیل کریمی" که اصلاً اهل بهسود است و "علی پور" نیز از نزدیکانش به شمار می رود، می دانیم که در این اواخر با شخص "غنی احمدزی" سر تقسیم منافع با هم جور نیامده، به مخالفت هائی علیه "غنی احمدزی" به خصوص با رفتن به پاکستان و برخورداری از "مهمان نوازی" های آنها دست زد. عملی که از طرف شخص کینه توز، احمق و توطئه گری چون "غنی احمدزی" نمی تواند نادیده گرفته شود. از همین رو با فرستادن چند فاشیست تربیه شده در دامن ناپاک "آی. اس. آی." به منطقه بهسود غایله جدید را بار آورد.

پ - هرگاه ادعا ها در مورد پیوند "علی پور" با ایران و فاطمیون درست باشد، بادر نظرداشت عشق پر شوری که تازه بین "محقق" سگ ایران و "غنی احمدزی" به وجود آمده، حمله بر "علی پور" می تواند از طریق ستون پنجم مخالفان چنین روابطی من جمله سگان نزدیک به سفارت امریکا و "خلیلزاد" به منظور به هم زدن مناسبات "غنی احمدزی" و ایران صورت گرفته باشد. و ...

هموطنان گرامی!

"غنی احمدزی" به هر دلیلی که به چنین جنایتی دست یازیده باشد، نباید باعث گردد تا مردم افغانستان به دام توطئه اش افتاده، بر روی همدیگر شمشیر بکشند. توده های میلیونی تمام اقوام من جمله پشتون، تاجیک، هزاره، ازبیک و ... می باید بدانند که دشمن آنها این قوم و یا آن قوم نه، بلکه طبقه حاکمه تمام اقوام به مثابه چوب دست استعمار و ارتجاع است. این را نیز باید بدانند مادامی که کمرشان را جهت نابودی طبقه حاکمه تمام اقوام نبسته اند، در کشور آرامی و رفاه

نخواهد آمد. یگانه راه مبارزه علیه جنگ افروزی های "غنی احمدزی" و باندش، وحدت و هماهنگی تمام اقوام بر مبنای
منافع طبقاتی است، نه رفتن به پای تائید سران وطنفروش، خاین و جنایتکار قوم خودی.
مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!
سرکها ما را می طلبند!